

3- بر اشتباهات خود اصرار نکنند و در صدد جبران آن باشند و شهادت قبول اشتباه خود را داشته باشند؛

4- از عزت نفس برخوردار باشند و مورد تهدید و تطمیع قرار نگیرند؛

5- برای رسیدن به حق از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکند؛

6- در هنگام بروز شبهه، از صدور حکم و اتخاذ تصمیم خودداری کند و بر اساس اطلاعات و دلایل ضعیف تصمیم گیری نکند؛

7- در استدلال و توجه به ادله و مدارک، قوی و محکم عمل کند؛

8- از اخلاق حسنه برخوردار باشد و با طرفین با صبوری و حلم برخورد کرده و با مردم گشاده رو باشد و به آن‌ها اجازه‌ی صحبت کردن بدهد؛

9- پس از روشن شدن حقیقت در اتخاذ تصمیم و صدور حکم جدی و قاطع باشد؛

10- گرفتار حيله و فریب مکاران نشود و چنان خودساخته باشد که مدح و ذم مراجعین در او تاثیری نداشته باشد؛

11- از طرف دولت نسبت به تأمین معیشت قضات توجه کافی صورت گیرد؛

12- بر کار قضات نظارت شود که نحوه‌ی نظارت، بر خدمت و فعالیت قضات تاثیر به‌سزایی خواهد داشت؛

13- قضات از منزلت و جایگاه رفیع برخوردار باشند؛

14- قضاتی که همه شرایط را دارا باشند، اندک هستند؛

15- بی‌نیازی و تأمین معیشت قضات موجب استقلال آن‌ها و زمینه‌ساز احقاق حقوق و تحقق عدالت خواهد بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به اهمیت منصب قضاوت، قوانین متعددی در رابطه با قضات به تصویب رسید. اصل 163 قانون اساسی مقرر می‌دارد: «صفات و شرایط قاضی بر طبق موازین فقهی به وسیله قانون مشخص می‌شود.» در همین راستا، به موجب ماده واحده‌ی قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب 1361/2/14 و اصلاحات بعدی چنین مقرر شده است: «قضات باید واجد شرایط ایمان، عدالت و تعهد عملی به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، طهارت مولد، تابعیت ایران، صحت مزاج، توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر باشند.»

در مورد امنیت شغلی قضات، اصل 164 عزل قضات را بدون محاکمه و ثبوت جرم ممکن نمی‌داند. اصل 156 نیز بر استقلال دستگاه قضایی تاکید دارد و مصوبه‌ی 1384/12/27 مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص سیاست‌های کلی نظام، برای حفظ شأن و استقلال قضات چنین مقرر می‌دارد:

1- ایجاد شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناسب برای تأمین استقلال امر قضا از طریق موارد زیر:

بند 1- استقلال قضات در رسیدگی به پرونده‌ها، تفسیر قوانین، تشخیص حق، اتخاذ تصمیم و انشاء رأی؛

بند 2- تصمیم گیری به صورت مستند و بدون تاثیرپذیری از دخالت دیگران؛

بند 3- رعایت شأن و منزلت قضات در جامعه و نظام اداری کشور؛

بند 4- گزینش افراد برخوردار از شایستگی علمی، تقوایی و توانایی‌های لازم برای امر قضا؛

بند 5- تعیین ضوابط قانونی برای عزل، نصب، تعلیق و نقل و انتقال قضات؛

منصب قضاوت در نظام اسلامی از جایگاهی رفیع برخوردار است. نقش قاضی در رسیدگی به دعاوی، احقاق حقوق مردم، تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی، تحقق عدالت، ایجاد امنیت قضایی، حمایت از مظلومین، به نحوی است که همه نظام‌های حقوقی در مورد گزینش، استخدام، نظارت، تأمین معیشت، مصونیت و حمایت از قضات در قالب مقررات خاص اقدام می‌نمایند.

قرآن کریم در آیه 58 سوره نساء می‌فرماید: «اذا حکمتم بین الناس ان تحكموا بالعدل» هم‌چنین «انا انزلنا الیک الکتاب بالحق لتحکم بین الناس بما یریک الله و لا تکن للجانین خصیما» (نساء، 105)، «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم او الوالدین و الاقربین ان یکن غنیا او فقیراً» (نساء، 135). یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق (صافه، 26) و ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط ان الله یحب المقسطین. (مائده، 41) از دیگر آیات قرآن کریم در این زمینه است:

حضرت امیر در نامه‌ای به مالک اشتر در مورد قضات می‌فرماید: «ثم اختر للحکم بین الناس افضل رعیتک فی نفسک ممن لا تضیق به الامور و لا تمحکک الخصوم و لا یتمدادی فی الزلّه، و لا یحصر من الفی الی الحق اذا عرفه و لا تشرف نفسه علی طمع و لا یکتفی بادی فهم دون اقصاه و او قفهم فی الشبهات، و آخذهم بالحجج و اقلهم تترماً بمراجعة الخصم، و اصبر هم علی تکشف الامور، و اصبر مهم عند اتّضاح الحکم ممن لا یزد هیه اطراء و لا یستمیله اغراء و اولئک قلیل. ثم اکثر تعاهد قضائه و فسح له فی البذل ما یریل عنته و تقل معه حاجته الی الناس و اعطه من المنزل له لیدیک ما لا یطمع فیه غیره من خاصتک لیامن بذلک اغتیال الرجال له عندک فانظر فی ذلک نظر بلیغاً، فان هذا الذین قد کان اسیراً فی ایدی الاشرار: یعمل فیه الهوی و تطلب به الدنیا.»

«سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن. کسی که مراجعه‌ی فراوان، وی را به ستوه نیاورده و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه کن کند و در شناخت مطالب به تحقیقی اندک رضایت ندهد. در شبهات از همه با احتیاط‌تر عمل کند، و اصرار او در یافتن دلیل از همه بیشتر باشد. در مراجعه‌ی پیاپی شاکیان خسته نشود. در کشف امور از همه شکیب‌تر و پس از آشکار شدن حقیقت، در فصل خصومت از همه پرتده‌تر باشد. کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد و چرب زبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندک اند. پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او ببیندیش و آن قدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد تا به مردم نیازمند نباشد. از نظر مقام و منزلت آن قدر او را گرامی دار که نزدیکان تو، به نفوذ در او طمع نکنند، تا از توطئه‌ی آنان در نزد تو در امان باشد. در دستوراتی که دادم، نیک بنگر که همانا این دین در دست بندگان اسیر گشته بود، که با نام دین به هواپرستی پرداخته و دنیای خود را به دست می‌آورند. (دستی؛ 1380، صص 577-576)

با اندک دقت در این فرمان تاریخی نکات جالب و مهمی به شرح زیر قابل استخراج است:

1- با توجه به عبارت «افضل رعیتک فی نفسک» قضات باید از میان بهترین افراد انتخاب شوند که از نظر علم، تقوا و اخلاق از دیگران برتر باشند؛

2- قاضی باید دارای شرح صدر باشد و از مراجعه‌های اصحاب دعوی خسته و دل‌تنگ نشود؛

بند 6- تامین معیشت و امنیت و محیط کار متناسب با مسؤولیت قضاوت؛

بند 7- نظارت دقیق و قانون‌مند بر کار قاضی و برخورد قاضی با تخلفات قضایی

بر اساس اهمیت کار قضایی است که تعقیب کیفری قضات بدون تعلیق از سمت قضایی امکان پذیر نمی‌باشد. ماده 42 قانون اصول تشکیلات دادگستری مقرر می‌دارد: «هر گاه در اثنای رسیدگی کشف شود کارمند قضایی مرتکب جنحه یا جنایتی شده و دادستان انتظامی قضات آن را مقرون به دلایل و قرائنی ببیند که تعقیب کیفری را ایجاب نماید، تعلیق کارمند مظنون را از شغل خود تا صدور رای نهایی مراجع کیفری از دادگاه عالی انتظامی تقاضا می‌نماید و دادگاه پس از رسیدگی به دلایل، قرار مقتضی صادر خواهد نمود و در صورت برائت، ایام تعلیق جز خدمت محسوب و مقرری آن به کارمند داده خواهد شد.»

از مجموع آن چه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که اهمیت منصب قضا در جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کند تا در زمینه جذب و گزینش، استخدام، کارآموزی، اشتغال، نظارت، تامین معیشت و امور رفاهی، امنیت شغلی، نقل و انتقال قضات، رسیدگی به تخلفات و جرایم و سایر امور مربوط به آن، به نحوی عمل شود که از یک سو استقلال قضات در رسیدگی به پرونده‌ها تامین گردد و از سوی دیگر انگیزه‌ی خدمت در آنان افزایش یابد. سختی و صعوبت کار قضا مستلزم فراهم کردن زمینه‌ها و فضای مناسب برای خدمت قضایی است. بی‌توجهی و اظهارنظرهای بدون دلیل و مدرک در مورد قضات موجب خواهد شد که آنان برای ادامه‌ی خدمت مأیوس شوند. هم‌چنین جذب قضات فاضل و شجاع، می‌تواند برخی آسیب‌های کنونی در رابطه با ریزش نیروهای قضایی را کاهش دهد. به علاوه برخی قضات نگران امنیت شغلی، خطرات جانی و حیثیتی خود هستند و به قول یکی از مدیران مسؤول مطبوعات، مردم چگونه می‌توانند قوه قضاییه را ملجأ و پناهگاه خود بدانند، در حالی که قضات به عنوان متولیان امنیت و عدالت، خود از کمترین ضربه حفاظتی و امنیتی برخوردارند. (رحیمی؛ 1386، ص 3)

در مورد استقلال قوه قضاییه و قضات باید گفت استقلال قوه شامل استقلال قاضی و دستگاه قضایی است که در عین ارتباط، متفاوت نیز هستند. استقلال قاضی در قلم و تصمیم او متبلور می‌شود. یعنی به فرموده مقام معظم رهبری قاضی حین تصمیم‌گیری، جز خدا و قانون را نباید بالای سر خود ببیند و با در نظر گرفتن خدا، قانون و وجدان اتخاذ تصمیم کند. استقلال قوه قضاییه ضامن حفظ حقوق و آزادی‌های مشروع، گسترش عدل و حمایت از حقوق عامه است. با توجه به اصول 156 و 157 قانون اساسی، استقلال قاضی مطلق است، اما استقلال دستگاه قضایی نسبی است. معنای نسبی بودن استقلال دستگاه قضایی آن است که در تعاملات و روابط با دیگر دستگاه‌ها در چارچوب قانون عمل کند. دستگاه قضایی باید با سایر دستگاه‌ها همکاری کند و ارتباط داشته باشد و محدوده‌ی این همکاری را قانون تعیین می‌کند. بنابراین استقلال دستگاه قضایی به این معنا که پاسخگو نباشد، نیست، به طور مثال دخالت مسؤولین اجرایی در پرونده‌ها، به استقلال قضات و دستگاه قضایی خدشه وارد می‌آورد.

ذکر این نکته ضروری است که رفتار قضات و مدیران ارشد دستگاه قضایی، از رفتار و منش رییس قوه قضاییه الگو می‌گیرد که این امر در حفظ استقلال قوه قضاییه تأثیرگذار است. رفتار و عملکرد رییس قوه و مسؤولان ارشد قضایی به عنوان یک رفتار سازمانی به بدنه‌ی دستگاه منتقل می‌شود. قضات نباید از فشارها بترسند. ترس قاضی از جابه‌جایی محل مأموریت، توقف ترفیعات و نظایر آن ممکن است قلم او را در حفظ حقوق و آزادی‌های مشروع، حمایت از دادخواهان، گسترش عدل و حمایت از حقوق عامه متزلزل کند.

حاکمیت قانون

با توجه به سیستم قضایی ایران که بر اساس قانون اساسی و قوانین عادی شکل گرفته است و در تقسیم‌بندی‌های نظام‌های حقوقی جزو نظام‌های نوشته محسوب می‌شود، اجرای قوانین و مقررات اهمیت زیادی دارد. قضات در هر پرونده درصدد انطباق مصادیق با قوانین و مقررات می‌باشند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشکلات ناشی از قوانین بیشتر نمودار شد، زیرا از یک سو با تورم، تنوع و تعدد قوانین روبه‌رو هستیم و از سوی دیگر با قوانین منسوخ و متعارض و غیر قابل اجرا و متروک مواجه می‌شویم. قوه مقننه، مراجع اجرایی و شوراهای گوناگون، مصوبات و مقرراتی را تدوین و لازم‌الاجرا اعلام می‌کنند، در حالی که قضات یا از آن بی‌اطلاع هستند یا با گذشت زمان در اختیار آنان قرار می‌گیرد و این امر به نحوی جلوه‌گر می‌شود که در بررسی امور، همه مشکلات به فقدان یا نقص قوانین احاله می‌شود. در چنین سیستمی که اصول، سیاست‌ها و برنامه‌ها در قانون اساسی و برنامه‌های پنج ساله و بیست ساله پیش‌بینی می‌شود و به تبع آن قوانین و مقررات زیادی در مراجع مختلف به تصویب رسیده و لازم‌الاجرا می‌شود، عدم اطلاع قضات و کارکنان، بروز مشکلاتی را برای دستگاه اجرایی و دادخواهان به دنبال خواهد داشت. هم‌چنین تصویب قوانین و مقرراتی با ویژگی‌های مطلوب از اهمیت زیادی برخوردار است. برخی نویسندگان هشت شرط برای قانون ایده‌آل قائل شده‌اند:

- 1- عمومیت؛
- 2- وضوح و شفافیت؛
- 3- امکان امثال (یعنی فراتر از توان افراد نباشد)؛
- 4- انتشار رسمی؛
- 5- عطف به‌ماسبق نشدن قوانین؛
- 6- غیر معارض بودن؛
- 7- استمرار نسبی (یعنی دچار تغییرات مکرر و مداوم نباشد تا شهروندان بتوانند عمل خود را با آن تنظیم کنند)؛
- 8- وجود انطباق بین قانون اعلامی و اجرای آن توسط کارگزاران و مجریان (فاطمی؛ 1382، ص 101)

بر همین اساس نتیجه گرفته شده است که هر قانونی فاقد شرایط فوق باشد، مانند چاقویی است که توان بریدن ندارد. پس حتی اگر به ظاهر به شکل چاقو باشد، چون کارکرد اصلی چاقو را ندارد، شایستگی آن نام را نیز ندارد. (پیشین؛ ص 101)

برخی نیز در مورد شرایط و ویژگی‌های قانون معتقدند: قوانین باید جامع، واضح، قاطع و قابل دسترس باشد و از لحاظ شیوه‌ی تقنینی و شیوه‌ی اجرا، مشروع بوده و بین دو اصل مهم: ثبات و انعطاف پذیری، تعادل مناسبی را ایجاد نماید. (میر محمد صادقی؛ 1385، ص 123) در گزارش دبیر کل سازمان ملل به شورای امنیت در مورد مفهوم حاکمیت قانون آمده است: «به یکی از اصول حکومت مربوط می‌شود که بر اساس آن تمام اشخاص، موسسات و نهادها، اعم از خصوصی یا دولتی و از جمله خود دولت، در برابر قانون پاسخگو هستند. چنین قوانینی به طور علنی تصویب شده، به تساوی اجرا می‌شود و به طور بی‌طرفانه‌ی موضوع داوری و دادرسی قرار می‌گیرند و با معیارها و ضوابط حقوق بشر بین‌المللی سازگار هستند.» (پیشین؛ ص 124)

- هم‌چنین برخی نویسندگان معتقدند که قوانین مصوب باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:
- 1- عمومیت داشته باشد؛³
 - 2- برای اطلاع عموم منتشر شود؛⁴
 - 3- از وضوح و شفافیت کافی برخوردار باشد؛⁵
 - 4- ناظر به آینده باشد؛⁶

گردد؛

11- شرایط و ویژگی لازم در تدوین قوانین رعایت گردد و در مورد قوانین منسوخ به صراحت اعلام نظر گردد تا قضات از استناد به آن‌ها خودداری کنند؛

12- بین تصویب و اجرای قوانین فاصله زمانی پیش‌بینی شود تا امکانات اجرایی و زمینه‌های فرهنگی و آموزشی آن فراهم گردد؛

13- برای اجرای قوانین، ضمانت اجرای کافی پیش‌بینی گردد و به نحوی اقدام گردد که قوانین و مقررات صرفاً برای درج در مجموعه قوانین نباشد. شاخصه‌ی مهم قوانین مصوب، قابل اجرا بودن آن‌ها است تا همگان تساوی در برابر قانون را احساس کنند؛

14- در تدوین قوانین با اسلوب علمی توجه کافی صورت گیرد. یکی از نویسندگان در تعریف آن نوشته است: «فرض از تدوین علمی عبارت است از اعمال قواعد علمی (از قبیل تشخیص ناسخ و منسوخ، عام و خاص و مطلق و مقید) و ترتیب قوانین و نظامات و کشف روابط مقررات و تصریح به این روابط و نهادن قسمت‌های مختلف در جای متناسب به طوری که در عین اطمینان به سهولت و در کمترین وقت، دسترسی به قانون مورد نظر باشد». (لنگرودی؛ 1386، ص 523) هم‌چنین گفته شده است: «جمع آوری قانون با اسلوب معین و منظم برای سهولت مراجعه» (پیشین؛ ص 523)؛

15- در تدوین قوانین باید فنون قانون نویسی مانند عدم استفاده از کلمات زائد و تکراری، مبهم و موهن (مانند ماده 144 قانون مجازات اسلامی) رعایت گردد؛

16- اقدام معاونت حقوقی و توسعه‌ی قضایی برای تهیه مجموعه‌ی قوانین مدنی و کیفری، گامی مثبت تلقی می‌شود و ضرورت دارد در مورد سایر قوانین نیز مجموعه‌های مشابه تهیه و در اختیار قضات و مراجع قضایی قرار گیرد؛

17- مشکلات ناشی از تعدد مراجع، تصویب قانون و مقررات در کشور برطرف شود؛

18- قبل از تصویب قوانین، پیش نویس آن در اختیار عموم، اساتید، حقوق‌دانان، قضات و دانشجویان رشته‌های موردنظر قرار گیرد و در زمینه‌ی قابل اجرا بودن قوانین، اقدامات فرهنگی و اطلاع‌رسانی کافی و مناسب صورت گیرد؛

19- از تصویب و اجرای قوانین آزمایشی به جز در موارد ضروری و خاص جلوگیری شود؛

نتیجه

استقلال دستگاه قضایی و آثار حاکمیت قانون در گسترش عدل، حمایت از حقوق عامه و حمایت از آزادی‌های مشروع، اقتضاء می‌نماید که دادستان‌ها در عین حفظ استقلال دستگاه قضایی و همکاری با مسؤولین اجرایی و انتظامی، به نحوی انجام وظیفه نمایند که اقدامات و عملکرد آن‌ها به تقویت حاکمیت قانون کمک کند.

5- با واقعیات و نیازهای اجتماعی منطبق باشد؛¹
 6- مستمر و با ثبات باشد.² (حبیب زاده و توحیدی فر؛ 1386، ص 12)

در همین رابطه اصل 36 قانون اساسی مقرر می‌دارد: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. اصل 37 بر برائت تأکید دارد. اصل 166 نیز مقرر می‌دارد: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.» اصل 169 قاعده‌ی عدم عطف قوانین کیفری به گذشته را بیان کرده است. بند 4 اصل 156 بر کشف جرم، تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام تأکید دارد. در فصل مربوط به حقوق ملت در اصول 22 تا 25 و همچنین اصول 32، 33، 34، 39، تسک و استناد به قوانین ضروری دانسته شده و برای حل مشکلات ناشی از تعدد منابع قانونی و شرعی، اصل 167 قانون اساسی را پیش‌بینی کرده است. مواد 2 و 4 قانون مدنی نیز در مورد لزوم انتشار قوانین و قلمرو حکومت قانون در زمان از صراحت کافی برخوردار است. در مورد مشکلات مربوط به قوانین و مقررات باید به امور زیر توجه شود:

1- از تورم، تنوع و تعدد قوانین جلوگیری شود؛
 2- در مورد نسخ برخی قوانین اختلاف نظر وجود دارد و ارائه‌ی نظریه‌های قابل قبول و اطلاع‌رسانی در این زمینه مؤثر خواهد بود؛
 3- برخی قوانین متروک و غیر قابل اجرا تلقی شده‌اند تصریح مراجع قانونی یا مشورتی ضرورت دارد؛
 4- در برخی زمینه‌ها مانند مقررات مربوط به قانون حمایت خانواده و آیین دادرسی مدنی مصوب 1378، قوانین متعدد حاکمیت دارد و در استناد به آن اختلاف نظر وجود دارد؛

5- به خاطر تصویب برخی قوانین و ابهام‌های ناشی از آن، دیوان عالی کشور ناچار است در مورد نسخ یا عدم نسخ قوانین اظهار نظر کند. مانند رای وحدت رویه دیوان عالی کشور در مورد بلامانع بودن استناد به ماده 6 قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب 1356؛

6- مراجع متعدد نسبت به وضع قوانین و مقررات اقدام می‌نمایند؛
 7- مرجعی برای تنقیح قوانین پیش‌بینی نشده‌است و آن‌چه امروزه در ریاست جمهوری صورت می‌گیرد، ریشه در مقررات سابق دارد؛
 8- با توجه به رشد تکنولوژی در عصر ارتباطات، انتشار قوانین در روزنامه رسمی کشور کافی به نظر نمی‌رسد. علیرغم انتشار قوانین، اکثر قضات به ویژه در مناطق دور افتاده و محروم به قوانین و مقررات جدید دسترسی ندارند و موجب می‌شود برخی قضات به مواد منسوخه عمل کنند که ناشی از بی‌اطلاعی آنان از این‌گونه قوانین و یا اعتقاد به قابل اجرا بودن این قوانین است؛

9- مرجعی برای به روز کردن قوانین و در دسترس قرار دادن آن‌ها برای قضات پیش‌بینی نشده‌است؛

10- برای تدوین قوانین مناسب ضرورت دارد از نظرات تخصصی قضات استفاده گردد تا از بروز اختلاف نظر و ایجاد رویه‌های متفاوت جلوگیری

- 1- Practicability
- 2- Stabilit

فهرست منابع

*قرآن کریم
 *حبیب زاده، محمد جعفر و توحیدی فرد، محمد؛ «قانون مداری در قلمرو حقوق کیفری»، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، 1386
 *جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ «ترمینولوژی حقوق»، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ هفدهم، 1386
 *دشتی، محمد؛ «ترجمه نهج البلاغه»، انتشارات مشهور، چاپ نهم، 1380
 *رحیمی، حسن؛ مجله حقوقی دادگستر، «امنیته متولیان عدالت»، سال چهارم، شماره 26، 1386
 *قاری سید فاطمی، سید محمد؛ «حقوق بشر در جهان معاصر»، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، 1382
 *میر محمد صادقی، حسین؛ «نقش دادستان در تقویت حاکمیت قانون»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش علمی قضات ایران و اروپا، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1385